

### عنصر گیتی

جهانم چون نگار شوخ و شنگ است  
سرشتش بر ملا از خوب زشتی ست  
زمان است مادر طفل شب و روز  
کشاد است خوان روزی بر سلیمان  
چرا این مردم دور از تمدن  
نگیرد مایه از اندیشه ی روز  
کسی خواهد رهاند کشور از جنگ  
وزیر از غیر مسلک برق افروز  
ز راه رشوه و چور و چپاول  
قومندان جهادی بچه باز است  
که فرهنگ پلید قرن ظلمت  
نگیرد گوش سنگین حرف نازک

که جیش خانه ی تریاک و بنگ است  
اساس عنصر گیتی دو رنگ است  
در آمد - شد حریم صلح و جنگ است  
گدا را خوان چو چشم مور تنگ است  
امیدش بسته بر جیب فرنگ است  
که خواب آلود و بیمار و گرنگ است  
اسیر پنجه ی ملای لنگ است  
بسر چلتار تنویر مانگ است  
قنار آگنده از ملا شرنگ است  
به بزمش زیرو بم آواز زنگ است  
مجاز از قدرت توپ و تفنگ است  
ز میخ چوبی کی سوراخ، سنگ است

نیایی لطفی (فرخاری) ز قاضی  
که قاضی بچه ی شوخ پلنگ است